

## پرسش ۲۷۱: آیا یمانی به سوی خویش دعوت می کند؟

السؤال / ۲۷۱: بسمه تعالی وبحمده، اللهم صل وسلم على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

في روايات أهل بيت العصمة (ع) تذكر أنّ سيدنا اليماني آل محمد لا يدعو إلى نفسه ولا يذكر أنه اليماني، بل الناس سوف تعرف حقيقته وتقول بأنه اليماني آل محمد، وكما هو معرف عندكم بأنّ السيد أحمد بن الحسن هو اليماني كيف يكون ذلك وأهل البيت (ع) يقولون بأنّ اليماني لا يدعو إلى نفسه، ولكن يدعو إلى الإمام المهدي (ع) (لا توجد راية أهدى من راية اليماني؛ لأنها تدعو إلى صاحبكم وإلى طرق مستقيم).

وآخر دعوانا الحمد لله رب العالمين، ربي صل وسلم على محمد وآل محمد.

المرسل: أبو محمد - العراق

بسمه تعالی و بحمده، اللهم صل وسلم على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

در روایات اهل بیت عصمت (ع) بیان شده است که یمانی به سوی خود نمی خواند و نمی گوید که او یمانی است بلکه مردم خودشان حقیقت او را خواهند فهمید و خواهند گفت که او یمانی است؛ نه آن گونه که شما می گوئید سید احمد الحسن یمانی است؛ چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که اهل بیت (ع) می فرمایند که یمانی به سوی خود نمی خواند بلکه به سوی امام مهدی (ع) فرا می خواند (پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست زیرا او شما را به صاحبتان و به راه راست دعوت می کند).

و در پایان: الحمد لله رب العالمين، ربي صل وسلم على محمد وآل محمد.

فرستنده: ابومحمد - عراق

**الجواب:** أين. هذه الروايات التي تذكر. أن اليماني. لا يدعو لنفسه، ولا يذكر أنه اليماني، بل الناس سوف تعرف حقيقته وتقول أنه اليماني ؟

پاسخ:

این روایاتی که می‌گویند یمانی به سوی خودش فرامی‌خواند و نمی‌گوید که او یمانی است، بلکه مردم، خود حقیقتش را می‌شناسند و می‌گویند که او یمانی است، کجا هستند؟

ثم كيف يكون الالتواء عليه يدخل النار وهو لا يقول أنه اليماني أليس هذا تكليف بما لا يطاق، وهل سمعت يوماً حجة من حجج الله لا يعرف نفسه للناس ؟ ثم بأي صفة يطالب الناس بالاجتماع حوله ليمهد للإمام المهدي فهو صاحب راية وصاحب الراية يجب أن يكون تحت إمرته جيش فكيف يتم جمع هذا الجيش بدون دعوة عقائدية يؤمن بها هذا الجيش ويقاتل لأجلها؟

چگونه سربچی از او شخص را وارد آتش می‌کند در حالی که او خود را به عنوان یمانی معرفی نکرده است؟ آیا این تکلیفی نیست که انجامش بیش از طاقت مردم باشد؟ آیا شنیده‌ای که حجتی از حجت‌های خدا، خود را معرفی نکرده باشد؟ در این صورت، با کدام ویژگی از مردم بخواهد تا به دورش جمع شوند تا برای امام مهدی (ع) زمینه‌سازی نماید؟ در حالی که او صاحب پرچم است و باید که سربازان زیر فرمان صاحب پرچم باشند. حال چگونه این لشکریان بدون هیچ دعوت عقیدتی که به آن ایمان بیاورند و برای آن بجنگند، جمع شوند؟

أما كلمة يدعو للإمام المهدي (ع) فهي لا تنافي أن يعرف اليماني نفسه للناس. ثم كيف يدعو له والناس لا تعرف من هو وما هو تكليفهم

تجاهه، وإليك رواية اليماني لكي تتفحصها جيداً ولا يخفى عليك شيئاً منها:

اما این سخن که او به امام مهدی(ع) فرامی خواند، منافاتی با آن ندارد که یمانی خودش را به مردم بشناساند. چگونه به سوی او بخواند در حالی که مردم نمی دانند که مدعی، چه کسی است؟ و تکلیف مردم در برابر او چه خواهد بود؟ تو را به روایت یمانی دعوت می کنم تا به دقت بررسی نمایی تا چیزی از آن بر تو پوشیده نماند.

أما بالنسبة لحدود شخصية اليماني: فقد ورد في الرواية عن الباقر (ع): (وليس في الرايات راية أهدى من راية اليماني، هي راية هدى؛ لأنه يدعو إلى صاحبكم، فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكل مسلم، وإذا خرج اليماني فانهض إليه فإن رايته راية هدى، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار؛ لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم) ([267])، وفيها:

در خصوص شخصیت یمانی: از امام باقر(ع) روایت شده است: «....در میان پرچم‌ها، پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست؛ پرچم هدایت، همان است زیرا او به سوی صاحب‌تان دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پا خیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی گردانی از آن برای مسلمان، شایسته و جایز نیست و هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی خواند و به راه مستقیم دعوت می کند» ([268]). نکات زیر قابل توجه است:

أولاً: (لا يحل لمسلم أن يلتوي عليه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار): وهذا يعني أن اليماني: (صاحب ولاية إلهية)، فلا يكون شخص حجة على الناس، بحيث إن إعراضهم عنه يدخلهم جهنم، وإن صلوا وصاموا إلا إذا

كان من: (خلفاء الله في أرضه)، وهم أصحاب الولاية الإلهية من الأنبياء والمرسلين والأئمة والمهديين.

اول: «روی گردانی از آن برای مسلمان، شایسته و جایز نیست و هر کس که چنین کند از اهل آتش است»: و این یعنی یمانی، صاحب ولایت الهی است؛ و امکان ندارد که شخصی حجت بر مردم باشد به طوری که اگر از او روی برگردانند، وارد آتش شوند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر آنکه این شخص از خلفای خدا در زمینش باشد که آنها صاحب ولایت الهی یعنی انبیا، مرسلین، ائمه و مهدیین می باشند.

ثانياً: (أنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم): والدعوة إلى الحق والطريق المستقيم، أو الصراط المستقيم تعني: (أن هذا الشخص لا يخطأ فيدخل الناس في باطل أو يخرجهم من حق)، أي إنه: (معصوم منصوص العصمة)، وبهذا المعنى يصبح لهذا القيد أو الحد فائدة في تحديد شخصية اليماني، أما افتراض أي معنى آخر لهذا الكلام (يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم)، فإنه يجعل هذا الكلام منهم (ع) بلا فائدة، فلا يكون قيداً ولا حداً لشخصية اليماني وحاشاهم (ع) من ذلك.

دوم: «او به حق و راه مستقيم دعوت می کند»: دعوت به حق و راه مستقيم یعنی این شخص دچار خطا نمی شود تا مردم را به باطل بکشاند یا از حق خارجشان نماید؛ به عبارت دیگر، این فرد معصومی است که برای وی نص وجود دارد و با این معنی و با این قید، حدود شخصیت یمانی مشخص می شود. هر برداشت دیگری در معنی عبارت «او به حق و راه مستقيم دعوت می کند»، کلام امام (ع) را بی معنی می کند و حدّ و قیدی برای شخصیت یمانی قایل نمی شود و حاشا که ائمه ی اطهار (ع) چنین کنند.

النتيجة مما تقدّم في أولاً وثانياً: إنّ اليماني: (حجة من حجج الله في أرضه ومعصوم منصوص العصمة)، وقد ثبت بالروايات المتواترة

والتصوص القطعية الدلالة إنّ الحجج بعد الرسول محمد(ص) هم: الأئمة الإثني عشر(ع) وبعدهم المهديين الإثني عشر، ولا حجة لله في الأرض معصوم غيرهم، وبهم تمام النعمة وكمال الدين وختم رسالات السماء. وقد مضى منهم(ع) أحد عشر إمام، وبقي الإمام المهدي(ع) والإثني عشر مهدياً، واليماني يدعو إلى الإمام المهدي(ع) فلا بد أن يكون اليماني أول المهديين؛ لأنّ الأحد عشر مهدياً بعده هم من ولده: (ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) [269]، ويأتون متأخرين عن زمن ظهور الإمام المهدي(ع)، بل هم في دولة العدل الإلهي، والثابت أنّ أول المهديين هو: (الموجود في زمن ظهور الإمام المهدي(ع))، وهو أول المؤمنين بالإمام المهدي(ع) في بداية ظهوره وتحركه، لتهيئة القاعدة للقيام، كما ورد في وصية رسول الله(ص) [270]. ومن هنا ينحصر شخص اليماني بالمهدي الأول من الإثني عشر مهدياً.

نتیجہ ای کہ از دو مورد فوق الذکر حاصل می شود: «یمانی حجتی از حجت های خداوند سبحان در زمینش و معصوم به نصّ می باشد». با روایت های متواتر و متون غیرقابل انکار ثابت می شود که حجت های خدا پس از نبی اکرم(ص) دوازده امام(ع) و پس از آنها دوازده مهدی(ع) می باشند و هیچ حجت معصوم خداوندی غیر از آنها وجود ندارد. توسط آنها نعمت تمام می شود، دین کامل می گردد و رسالت های آسمانی پایان می یابد. یازده امام از آنها درگذشته اند و امام مهدی(ع) و دوازده مهدی باقی اند. یمانی به سوی امام مهدی(ع) می خواند پس باید اولین مهدیین باشد زیرا یازده مهدی پس از او از فرزندان او هستند «فرزندانی، برخی از نسل برخی دیگر، و خداوند شنوا و دانا است» [271]، که پس از ظهور امام مهدی(ع) می آیند و در دولت عدل الهی ظهور می یابند و ثابت می شود که اولین مهدیین کسی است که «در زمان ظهور امام مهدی(ع)، حضور دارد و او اولین ایمان آورندگان به امام مهدی(ع) در ابتدای ظهور و حرکتش است تا مقدمات را برای قیام آماده سازد»؛ همان گونه که در وصیت رسول

خدا(ص) آمده است([272]) و به این ترتیب شخصیت یمانی منحصر به مهدی اول از مهدیین دوازده گانه می شود.

**والمهدي الأول بيّنت روايات أهل البيت (ع) اسمه وصفاته ومسكنه بالتفصيل، فاسمه أحمد وكنيته عبد الله - أي إسرائيل - أي إنّ الناس يقولون عنه إسرائيلي قهراً عليهم ورغم أنوفهم. وقال رسول الله(ص): (أسمي أحمد وأنا عبد الله أسمى إسرائيل، فما أمره فقد أمرني وما عناه فقد عناني)([273]).**

روایات اهل بیت (ع)، مهدی اول را با اسم، صفت و مسکن به طور دقیق توصیف کرده اند. اسمش احمد و کنیه اش عبد الله یعنی اسرائیل- است یعنی مردم به ناچار و علی رغم میلشان او را اسرائیلی می نامند. پیامبر(ص) فرمود: «اسم احمد است، بنده ی خدایم که اسم اسرائیل است؛ هرچه به او دستور داد، به من هم داد و هر معنی ای بر او اشاره کرد، بر من هم کرد»([274]).

**والمهدي الأول هو أول الثلاث مائة وثلاثة عشر، وهو: (من البصرة) ([275])، و (في خده الأيمن أثر) و (في رأسه حزاز) و (جسمه كجسم موسى بن عمران (ع)) ([276])، و (في ظهره ختم النبوة)، و (فيه وصية رسول الله(ص)) و (هو أعلم الخلق بعد الأئمة بالقرآن والتوراة والإنجيل) و (عند أول ظهوره يكون شاباً)، قال رسول الله(ص): (... ثم ذكر شاباً فقال إذا رأيتموه فبايعوه فإنه خليفة المهدي) ([277]).**

مهدی اول، اولین نفر از سیصد و سیزده یار امام مهدی(ع) است و او: «از بصره است»([278]) و «بر گونه ی راستش اثری است» و «در سرش شوره دارد» و «اندامش مانند اندام موسی بن عمران(ع) است»([279]) و «مهر نبوت در کمر دارد» و «وصیت رسول الله(ص) همراه او است» و «او داناترین مردم پس از ائمه به تورات و انجیل و

قران است» و «در ابتدای ظهورش جوان است». پیامبر (ص) فرمود: «... سپس جوانی را یاد کرد و فرمود هرگاه او را دیدید، با او بیعت کنید که او خلیفه‌ی مهدی (ع) است» [280].

عن أبي عبد الله (ع)، عن آبائه، عن أمير المؤمنين (ع)، قال: قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (ع): يا أبا الحسن، احضر صحيفة ودواة فأملئ رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثني عشر إمام - وساق الحديث إلى أن قال: - وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ع) فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي: اسم كاسمي واسم أبي، وهو عبد الله، وأحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين [281].

### اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

از امام صادق (ع) از پدرانش از امیرالمومنین (ع) نقل شده است که فرمود: «رسول الله (ص) در شبی که وفاتش واقع شد به علی (ع) فرمود: «... یا اباالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا (ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی (ع) هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی... و سپس حدیث را ادامه می‌دهد تا آنجا که فرمود: و حسن (ع) آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد (ع) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می‌باشند و سپس دوازده مهدی (ع) بعد از او می‌باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد،

نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده می باشد» (غیبت طوسی: ص ۱۵۰) [282].

هیأت علمی - انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)



[267] - غیبة النعماني: ص 264، بحار الأنوار: ج 52 ص 232.

[268] - غیبت نعمانی: ص 262 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 232.

[269] - آل عمران: 34.

[270] - راجع غیبة الشيخ الطوسي: ص 151، وراجع كتاب الوصي والوصية وغيره من إصدارات الإمام المهدي (ع).

[271] - آل عمران: 34.

[272] - رجوع نماید به غیبت شیخ طوسی ص 151 و کتاب «وصی و وصیت» و سایر کتاب های انتشارات انصار امام مهدی (ع).

[273] - تفسیر العیاشی: ج 1 ص 44، بحار الأنوار: ج 24 ص 397.

[274] - تفسیر عیاشی: ج 1 ص 44 ؛ بحار الأنوار: ج 7 ص 178.

[275] - قال أمير المؤمنين، قال: (سمعت رسول الله (ص)، قال: أولهم من البصرة، وآخرهم من اليمامة) الملاحم والفتن للسيد ابن طاووس: ص 289.

[276] - جُمعت الصفات المذكورة أعلاه وغيرها في الرواية التي رواها الشيخ النعماني في الغيبة، قال: حدثنا أبو سليمان أحمد

بن هودة، قال: حدثنا إبراهيم بن إسحاق النهاوندي، قال: حدثنا عبد الله بن حماد الأنصاري، قال: حدثنا عبد الله بن بكير،

عن حمران بن أعين، قال: قلت لأبي جعفر الباقر (ع): (جعلت فداك، إني قد دخلت المدينة وفي حقوي هميان فيه ألف دينار،

وقد أعطيت الله عهداً أنني أنفقها ببابك ديناراً ديناراً، أو تجيبني فيما سألك عنه. فقال: يا حمران، سل تجب، ولا تنفقن

دنائيرك. فقلت: سألتك بقرابتك من رسول الله (ص) أنت صاحب هذا الأمر والقائم به؟ قال: لا. قلت: فمن هو، بأبي أنت وأمي

؟ فقال: ذاك المشرب حمرة، الغائر العينين، المشرف الحاجبين، العريض ما بين المنكبين، برأسه حزاز، وبوجهه أثر، رحم الله

موسى) غيبة النعماني: ص 223.

[277] - بشارة الإسلام: ص 30.

[278] - أميرالمومنين (ع) فرمود: «شنیدم رسول الله (ص) فرمود: اولین آنها از بصره است و آخرینشان از یمامه». ملاحم و

الفتن سيد بن طاووس: ص 298.

[279] - صفات مذکور و همچنین سایر صفات در روایتی که شیخ نعمانی در کتاب غیبت نعمانی آورده است، جمع شده است.

روایت کرده است: ابوسلیمان احد بن هوده از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی از عبدالله بن حماد انصاری از عبد الله بن بكير از



حمران بن اعین روایت کرده است که گفت: به ابوجعفر (ع) گفتم: فدایت گردم، به مدینه داخل شدم در حالی که در کیسه‌ام هزار دینار بود. با خدا عهد کردم که بر آستان شما، دینار به دینار آن را صدقه بدهم یا پاسخ مرا از آنچه می‌پرسم، بدهی. فرمود: «ای حمران، بپرس، جواب بگیر و دینارهایت را انفاق مکن». گفتم: به نزدیکیت به رسول الله (ص) سوگندت می‌دهم که آیا شما صاحب این امر و قائم هستی؟ فرمود: «نه». گفتم: پدر و مادرم به فدایت، پس او کیست؟ فرمود: «چهره‌ی متمایل به سرخ دارد، چشمانی فرورفته دارد، ابروانی بلند دارد، بین شانته‌هایش عریض است، سرش شوره دارد و بر چهره‌اش اثری است، خداوند موسی را رحمت کند». غیبت نعمانی: ص 223.

[280] - بشارت الاسلام: ص 30.

[281] - الجواب مستفاد من أحد أجوبة السيد اليماني أحمد الحسن (ع).

[282] - پاسخ، برگرفته از یکی از پاسخ‌های سید یمانی، احمد الحسن (ع) می‌باشد.